Fiqh
EISSN: 1735-3521
ISSN: 1735-3181

A Jurisprudential Analysis of the Variability of the Ruling on the Sharʿi Travel Distance Based on Texts of Narrations*

Hasan Ardameh[1] **Mahdi Miri**[2] **Mohammad Mohammadi**[3]

1. Faculty of Jurisprudence and Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.
hasanardameh727@gmail.com
2. Faculty of Jurisprudence and Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran (**Corresponding Author**).
mirimahdi276@gmail.com
3. Level 4 Seminary Student, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran.
mmohammadi0902@gmail.com

Abstract

Travel, as a widespread phenomenon, is subject to important rulings in Islamic jurisprudence, particularly in acts of worship such as prayer (ṣalāh) and fasting (ṣawm). One of the most challenging issues in this field is determining the "Sharʿi travel distance" as a condition for the obligation to shorten prayer (qaṣr) and break the fast. This article, entitled "A Jurisprudential Analysis of the Variability of the Ruling on the Sharʿi Travel Distance Based on Texts of Narrations," examines whether the criterion established in the narratives constitutes a fixed ruling or whether it can change in response to developments in means of transportation. Using an analytical approach and focusing on narrative texts, this study examines various groups of narrations that define the Sharʿi travel distance according to criteria such as "eight parasangs (farāsikh)," "two

* Ardameh, H., Miri, M. & Mohammadi, M. (2026). A jurisprudential analysis of the variability of the ruling on the Sharʿi travel distance based on texts of narrations. *Fiqh*, *33*(2), pp. 7–32. https://doi.org/10.22081/jf.2026.73713.3002

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/11/02 ● **Revised:** 2026/03/01 ● **Accepted:** 2026/04/22 ●**Online Publication:** 2026/06/29

© 2026
authors retain the copyright and full publishing rights

barīds," and "a one-day journey" (bayāḍ al-yawm). The main finding of the study is that spatial criteria (eight parasangs and their equivalents) do not possess independent substantive significance; rather, they served merely as means and instances of the primary criterion, namely "travel time" (a one-day journey), in the era when the narrations were issued. This claim is supported by several pieces of evidence, including causal narrations (li-anna thamāniyata farāsikh masīrat yawm, "because eight parasangs constitute a one-day journey"), the emphasis on customary travel speed (sayr al-qiṭār), and differences in the ruling for a fixed distance based on the time required to traverse it. The conclusion is that, by giving primacy to the criterion of "time" and treating "distance" as a means rather than an end in itself, the ruling concerning the Sharʿi travel distance acquires a variable character. Accordingly, in every age, the instance of a "one-day journey" should be reassessed in light of the customary means of transportation and prevailing customary understanding. This approach demonstrates the dynamism of Shiʿi jurisprudence and its compatibility with the changing realities of human life.

Keywords
Sharʿi Distance, Rulings on Travelers, Sharʿi Travel, Eight Farsakhs.

فقه
EISSN: ۱۷۳۵-۳۵۲۱
ISSN: ۱۷۳۵-۳۱۸۱

تحلیل فقهی تغییرپذیری حکم مسافت شرعی مبتنی بر متون روایی*

حسن اردمه[۱] مهدی میری[۲] محمد محمدی[۳]

۱. دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.
hasanardameh727@gmail.com
۲. دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران **(نویسنده مسئول)**.
mirimahdi276@gmail.com
۳. طلبه سطح ۴، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران.
mmohammadi0902@gmail.com

چکیده

سفر به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر، موضوع احکام مهمی در فقه اسلامی، بویژه در ابواب عبادی چون صلات و صوم است. یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در این حوزه، تعیین «مسافت شرعی» به‌عنوان شرط وجوب قصر و افطار است. این مقاله با عنوان «تحلیل فقهی تغییرپذیری حکم مسافت شرعی مبتنی بر مبانی روایی»، به واکاوی این مسئله می‌پردازد مبنی بر اینکه آیا معیار تعیین‌شده در روایات، یک حکم ثابت است یا متناسب با تحول وسایل نقلیه، قابلیت تغییر دارد.

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و تمرکز بر متون روایی، به بررسی دسته های مختلف روایت‌ها که مسافت شرعی را با معیارهایی چون «هشت فرسخ»، «بریدان» و «مسیر یک روز» (بیاض یوم) مشخص کرده‌اند، می‌پردازد. یافته اصلی تحقیق آن است که معیارهای مکانی (هشت فرسخ و معادل‌های آن)،

* اردمه، حسن؛ میری، مهدی؛ محمدی، محمد. (۱۴۰۵). تحلیل فقهی تغییرپذیری حکم مسافت شرعی مبتنی بر متون روایی. فقه، ۳۳(۲)، صص ۷-۳۲.

https://Doi.org/10.22081/jf.2026.73713.3002

نوع مقاله: پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۲/۰۲ **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۵/۰۴/۰۸

۱۴۰۵ © «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»

موضوعیت استقلالی ندارند، بلکه تنها طریق و مصداقی برای معیار اصلی یعنی «مسافت زمانی» (مسیر یک روز) در عصر صدور روایات بوده‌اند. این ادعا بر شواهد متعددی از جمله روایات تعلیلی (لِأَنَّ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ مَسِيرَةُ يَوْمٍ)، تأکید بر سیر متعارف (سیرالقطار)، و تفاوت حکم در مسافت ثابت براساس زمانِ پیمایش، استوار است.

نتیجه آنکه، با اصالت دادن به معیار «زمان» و طریقیت دانستن «مکان»، حکم مسافت شرعی ماهیتی تغییرپذیر می‌یابد و لازم است در هر عصری، مصداق «سفر یک روز» با توجه به وسایل نقلیه متعارف و فهم عرفی، بازشناسی شود. این رویکرد، پویایی فقه شیعه و سازگاری آن با واقعیت‌های متغیر زندگی بشر را به اثبات می‌رساند.

کلیدواژه‌ها

مسافت شرعی، حکم مسافر، سفر شرعی، هشت فرسخ.

مقدمه

سفر به‌عنوان یکی از واقعیت‌های رایج و ناگزیر حیات بشری، در نظام عبادی اسلام از جایگاهی ویژه برخوردار است. اهمیت این پدیده تا بدانجاست که شارع مقدس، آن را موضوع احکام متعددی در ابواب مختلف فقه قرار داده و با تغییر شرایط مکلف از «حاضر» به «مسافر»، تکالیف وی را دگرگون ساخته است. این توجه ویژه، ریشه در متون بنیادین دین، یعنی قرآن و سنت دارد. قرآن کریم با تعبیر «ضرب فی الارض»، سفر را به رسمیت شناخته و آن را زمینه‌ساز احکام تخفیفی مهمی چون «قصر صلاة» (کوتاه خواندن نماز) (نساء ، ۱۰۱)[۱] و «افطار صوم» (جواز افطار روزه) (بقره، ۱۸۵)[۲] قرار داده است. علاوه بر این، موضوعاتی چون تعیین وظیفه در حج تمتع (بقره، ۱۹۶)[۳] و تحقق شرط انتفای رجم نسبت به محصن در باب حدود (کلینی، ۱۳۶۳، ۷، ص ۱۷۹)[۴] نیز به‌طور مستقیم با تحقق عنوان «سفر» گره خورده‌اند.

این کاربرد متعدد و فراگیر، اهمیت بحث از ماهیت و حدود سفر شرعی را دوچندان می‌کند. حکم سفر، مطلق نبوده و منوط به تحقق قیود و شروطی است که شارع آن را معتبر دانسته است. ازاین‌رو، فقهای عظام همواره بخش قابل توجهی از کتب فقهی خود را به تبیین این شرایط اختصاص داده‌اند. به‌عنوان نمونه، مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی در عروة الوثقی ۱۴۰ مسئله و امام خمینی‌ؒ در تحریر الوسیله ۸۰ مسئله اصلی را به سه محور کلیدی «شروط قصر»، «قواطع سفر» و «احکام مسافر» اختصاص داده‌اند که این خود نشان از عمق و گستردگی مباحث مرتبط با این موضوع دارد.

در میان شروط تحقق سفر شرعی، اولین و بنیادین شرط، پیمودن «مسافت» معینی است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج۳، ص ۴۱۴). اما پرسش اصلی که این مقاله در صدد

۱. وَ إِذا ضَرَبْتُمْ فِی الْأَرْضِ فَلَیسَ عَلَیکمْ جُناحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ یفْتِنَکمُ الَّذینَ کفَرُوا إِنَّ الْکافِرینَ کانُوا لَکمْ عَدُوًّا مُبیناً (نساء، ۱۰۱)

۲. شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی أُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ هُدی لِلنَّاسِ وَ بَیناتٍ مِنَ الْهُدی وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْکمُ الشَّهْرَ فَلْیصُمْهُ وَ مَنْ کانَ مَریضاً أَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَیامٍ أُخَر (بقره، ۱۸۵)

۳. ذلِك لِمَنْ لَمْ یکنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرامِ (بقره، ۱۹۶)

۴. الْحَدُّ فِی السَّفَرِ الَّذِی إِذَا زَنَی لَمْ یرْجَمْ إِنْ کانَ مُحْصَناً قَالَ إِذَا قَصَّرَ وَ أَفْطَرَ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص ۱۷۹).

پاسخ‌گویی به آن است، به ماهیت و معیار این مسافت بازمی‌گردد. روایات صادر شده از معصومین علیهم‌السلام در نگاه نخست، معیارهای متفاوتی را ارائه می‌دهند که به‌طور کلی می‌توان آنها را در دو دسته اصلی «معیارهای مکانی» و «معیارهای زمانی» طبقه‌بندی کرد. دسته ای از روایات، مسافت را با واحدهای مکانی ثابت مانند «هشت فرسخ» (صحیحه فضل بن شاذان)، «بریدان» (صحیحه محمد بن مسلم) و «بیست و چهار میل» (موثقه عیص بن القاسم) مشخص کرده‌اند. در مقابل، دسته دیگری از روایات، معیار را واحد زمانی «مسیر یک روز» (موثقه عبدالرحمن بن حجاج) معرفی نموده‌اند. همچنین روایات ترکیبی (مانند موثقه سماعه) با ذکر همزمان این معیارها، این گمانه را تقویت می‌کنند که معیارهای مکانی، بیانی دیگر از همان مسافت زمانی در عصر صدور بوده‌اند.

این تفاوت ظاهری در تعابیر روایی، این پرسش اساسی را در دوران معاصر، که تحولات شگرف در وسایل حمل و نقل، مفهوم زمان و مکان را دگرگون کرده، به یک چالش جدی فقهی بدل ساخته است: آیا معیار اصلی و دارای «موضوعیت» در تعیین مسافت شرعی، مقدار مکانی ثابت (هشت فرسخ) است و این حکم، تعبدی و غیرقابل تغییر است؟ یا آنکه معیار اصلی و دارای «اصالت»، «مسیر یک روز» به‌عنوان یک مقیاس زمانی-عرفی بوده و مقادیر مکانی ذکر شده، تنها «طریقیت» داشته و مصداقی از آن معیار کلی در آن دوران بوده‌اند؟

پذیرش هر یک از این دو مبنا، تأثیر مستقیم و بنیادینی بر حکم فقهی سفرهای امروزی دارد. فرضیه این پژوهش، بر پایه تحلیل دقیق متون روایی، آن است که «اصالت با معیار زمان» (مسیر یک روز) است و معیارهای مکانی طریقیت دارند. این مقاله می‌کوشد با بررسی نظام‌مند شش شاهد و قرینه مستخرج از دل روایات، این فرضیه را به اثبات رساند. این شواهد عبارتند از: تعلیل حکم به «مسیرة یوم للقوافل» (شاهد اول)، ارجاع به سیر متعارف و نفی مرکب‌های سریع (شاهد دوم)، تفسیر معیار مکانی با معیار زمانی (شاهد سوم)، ارجاع اختلاف سرعت‌ها به معیار متوسط یک روز (شاهد چهارم)، تأثیر عنصر زمان در مسافت مکانی ثابت (شاهد پنجم)، و ارتکاز ذهنی سائلان بر محوریت «یک روز» (شاهد ششم).

بنابراین، این تحقیق با رویکردی تحلیلی و تمرکز انحصاری بر داده‌های روایی، در پی تبیین این مطلب است که حکم مسافت شرعی، برخلاف تصور رایج، ماهیتی «تغییرپذیر» داشته و متناسب با تحول در وسایل نقلیه و فهم عرف از سفر یک روزه، قابلیت بازشناسی و تطبیق در هر عصری را داراست. این نتیجه‌گیری، نه تنها با روح پویای فقه شیعه سازگار است، بلکه راه را برای ارائه پاسخی کارآمد و همگام با واقعیت‌های زندگی مدرن هموار می‌سازد.

پیشینه پژوهش

بحث از ملاک مسافت شرعی و نسبت میان معیارهای زمانی و مکانی، از دیرباز در فقه مطرح بوده و در دوران معاصر نیز به دلیل تحولات فناوری، موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. در این میان، دو رویکرد اصلی قابل تفکیک است: رویکرد سنتی که بر «موضوعیت مکان» (هشت فرسخ) تأکید دارد و رویکرد تحلیلی که در پی اثبات «اصالت زمان» (مسیر یک روز) است. مقالات ارائه شده نمونه‌هایی از رویکرد دوم هستند:

۱. مقاله «بررسی ملاک‌های تحقق مسافت شرعی در سفر» (مهدی رهبر، ۱۳۸۴): این پژوهش با هدف اشراف بر ادله مختلف و انتخاب دلیل اقوی، به تحلیل ملاک‌های گوناگون مسافت شرعی می‌پردازد. نویسنده با استناد به روایاتی چون روایت عبدالرحمن بن حجاج، به این نتیجه می‌رسد که «آنچه به‌عنوان ملاک تحقق مسافت بیان شده، مقدار مسافتی است که مطلق مراکب (چه تندرو و چه کندرو) در طول یک روز طی می‌کنند». ایشان تصریح می‌کند که «تقدیر به هشت فرسخ... علامت و أماره بر تحقق مسیرة یوم می‌باشد». این مقاله همچنین روایات متعارض (مانند ۱۶ فرسخ یا مسیرة یوم و لیله) را به دلیل شذوذ و مخالفت با روایات متظافر و همچنین احتمال صدور از باب تقیه (به دلیل تطابق با اقوال اهل سنت)، فاقد اعتبار می‌داند؛ بنابراین، این اثر در راستای اثبات طریقیت هشت فرسخ و اصالت «مسیر یک روز» گام برمی‌دارد.

۲. مقاله «ادله عقلی و نقلی تعیین ملاک مسافت شرعی در فقه امامیه» (مهدوی امین،

۱۳۹۶): این مقاله نیز با طرح پرسش از اصالت یکی از دو ملاک «مسیرة یوم» و «ثمانیة فراسخ»، در پی تعیین شاخص اصلی است. نویسنده با استعانت از مبانی کلامی (مانند کلیت و شمول دین خاتم)، توجه به تشریع احکام براساس توان نوع مردم (سیر کاروان‌های عمومی)، و تحلیل روایات، به این نتیجه قاطع می‌رسد که «ملاک اصلی حد تقصیر صلاة از نظر شارع، پیمودن یک روز راه است». ایشان برای اثبات این مدعا، به این نکته استدلال می‌کند که اگر هشت فرسخ موضوعیت داشت، امام علیه‌السلام در مقام ردّ اقوال عامه که به دو یا سه روز قایل بودند، به آن استناد می‌کرد، در حالی که حضرت به ملاک «یک روز راه» تمسک جسته‌اند. این مقاله در نهایت مصداق امروزی «مسیر یک روز» را حدود ۸۵۰ کیلومتر برآورد می‌کند.

وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر

هرچند پژوهش حاضر در نتیجه‌گیری نهایی (اصالت معیار زمان و تغییرپذیری حکم) با دو مقاله فوق همسو است، اما از جهات متعددی دارای تمایز و نوآوری است:

۱. ساختارمندی جامع و نظام‌مند شواهد: در حالی که مقالات پیشین به یک یا چند دلیل اصلی (مانند روایت ابن حجاج یا تعلیل در روایت دیگر) برای اثبات مدعای خود اکتفا کرده‌اند، مقاله حاضر برای نخستین بار مجموعه‌ای از شش شاهد و قرینه مستقل را از دل روایات متعدد استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل می‌کند. این شواهد شامل «قرینه تعلیل»، «قرینه ارجاع به سیر متعارف»، «قرینه تفسیر»، «قرینه ارجاع اختلاف سرعت»، «قرینه تأثیر زمان در مسافت ثابت» و «قرینه ارتکاز ذهنی سائلین» است. این رویکرد نظام‌مند و جامع، بنیان استدلالی فرضیه را به شکلی بسیار مستحکم‌تر و متقن‌تر از پژوهش‌های پیشین بنا می‌نهد.

۲. تمرکز بر تحلیل متنی پیشینی: رویکرد این مقاله، تحلیل دقیق خودِ متن روایات و کشف شبکه معنایی میان آنها، پیش از تأثیرپذیری از چارچوب‌های رایج فقهی یا مبانی کلامی بیرونی است. در حالی که مقاله دوم به مبانی کلامی استعانت جسته، پژوهش حاضر تلاش دارد تا تنها از طریق تحلیل درون‌متنی و هرمنوتیکی

خودِ روایات، اصالت معیار زمان را به‌عنوان مدلول مستقیم و مقصود اصلی شارع اثبات کند.

۳. جامعیت در تحلیل دسته های روایی: این پژوهش فقط به روایات اصلی نمی‌پردازد، بلکه به تحلیل روایات مرتبط با «نصف مسافت» (چهار فرسخ) و توجیه آنها در چارچوب نظریه «مسیر یک روز» (رفت و برگشتی که مجموعاً یک روز را اشغال کند) نیز توجه ویژه دارد و همچنین جایگاه روایات شاذ را تبیین می کند. این نگاه جامع، به انسجام بیشتر نظریه کمک شایانی می کند.

درنتیجه، مقاله حاضر با ارائه یک چارچوب تحلیلی منسجم و استناد به طیف وسیع‌تری از قراین روایی، استدلال بر «تغییرپذیری حکم مسافت شرعی» را از سطح یک نظریه قابل دفاع، به یک فرضیه کاملاً مستند و اثبات‌شده بر مبنای داده‌های متنی ارتقا می‌دهد.

۱. تحلیل لایه‌شناختی و مفهومی واژه «سفر» (السَّفَر)

برای فهم دقیق و علمی هر مفهوم کلیدی در متون دینی، بویژه مفاهیمی که بار فقهی و حقوقی سنگینی را به دوش می کشند، گریزی از یک کاوش عمیق لغوی و ریشه‌شناختی نیست. واژه «سفر» یکی از همین مفاهیم بنیادین است که به‌عنوان «موضوع حکم» در ابوابی چون نماز و روزه، نقشی محوری ایفا می کند. تحدید یا عدم تحدید معنای آن، و کشف اینکه آیا این واژه تنها به یک «امر مکانی» (پیمودن فاصله) اشاره دارد یا اینکه در ذات خود، حامل «عنصر زمانی» نیز هست، می‌تواند مسیر استنباط فقهی را به‌کلی دگرگون سازد. ازاین‌رو، در این بخش، با یک رویکرد تحلیلی-لایه‌ای، به واکاوی ابعاد معنایی واژه «سفر» در معاجم اصلی لغت عرب و تحلیل ارتکازات عرفی عصر تشریع می‌پردازد.

۱-۱. ریشه‌شناسی بنیادین: «کشف» و «جلاء» به‌عنوان هسته معنایی

هسته معنایی اصلی و ریشه‌ای ثلاثی مجرد «س-ف-ر» (سَفَرَ، یَسفِرُ، سُفُوراً و سَفْراً)،

مفهوم «کشف»، «جلاء»، «وضوح» و «آشکار شدن» است. این معنای کانونی در کاربردهای گوناگون این ریشه، به‌طور پیوسته قابل مشاهده است. در برخی متون لغوی این ریشه را به یک اصل واحد بازمی‌گردانند: «(سفر) السین والفاء والراء أصلٌ واحدٌ یدلُّ علی الانکشاف والجَلاء» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص ۸۷)؛ یعنی ریشه (س-ف-ر) یک اصل واحد بیشتر ندارد که بر آشکار شدن و کنار رفتن پرده دلالت می‌کند. این معنای ریشه‌ای (کشف و جلاء) حتی در معانی مجازی و استعاری نیز حضور دارد. یکی از مشهورترین کاربردهای این واژه، اطلاق «سفر» بر پیمودن مسافت است. وجه تسمیه و علت این نام‌گذاری، خود نکته‌ای بسیار دقیق و راهگشاست. لغویان تصریح کرده‌اند که به این عمل «سفر» گفته می‌شود، (زیرا [سختی‌ها و شرایط سفر] از اخلاق و ملکات درونی مردان پرده‌برداری و آنها را آشکار می‌کند) (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۴، ص ۳۶۸).

۱-۲. پیوند ناگسستنی «سفر» با «روز»: شکل‌گیری ارتکاز عرفی

مهمترین لایه تحلیلی در این بحث، کشف ارتباط عمیق و ارگانیک میان واژه «سفر» و مفهوم «روز» (النّهار) است. این پیوند، فقط یک تصادف یا اشتراک لفظی نیست، بلکه ریشه در واقعیت زندگی عرب و ارتکازات ذهنی او دارد. برخی لغویون معتقدند: «و سُمِّی السَّفَرُ سَفَراً من قَولِهم: سَفَرَ الصُّبحُ، أی: أضاءَ... و ذلک أنَّ الناسَ کانوا فیما سلف إنّما یسیرون عند الإسفار» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۹).

تحلیل این عبارت چند نکته کلیدی را روشن می‌سازد:

راغب، منشأ نام‌گذاری «سفر» (پیمودن راه) را تعبیر «سَفَرَ الصُّبحُ» (صبح روشن شد) می‌داند. این نشان می‌دهد که در ذهن عرب، مفهوم «روشنایی» و «روز»، مقدم بر مفهوم «مسافرت» یا دست‌کم همزاد با آن بوده است. او علت این نام‌گذاری را یک واقعیت اجتماعی-زیستی بیان می‌کند: «مردم در گذشته، تنها هنگام روشنایی و دمیدن صبح به راه می‌افتادند». در آن دوران، به دلیل نبود امنیت و امکانات روشنایی، سفر در شب امری بسیار خطرناک، دشوار و نامتعارف بود. اصل بر حرکت در طول «بَیاضُ النَّهار» (سفیدی روز) و توقف در شب بود.

این پیوند عمیق میان «سفر» و «روز»، یک ارتکاز عرفی قدرتمند را شکل داد: «سفر» به پیمایشی اطلاق می‌شد که به لحاظ زمانی، آنقدر امتداد داشته باشد که بخش معناداری از روز را به خود اختصاص دهد و فرد را از انجام امور عادی روزمره در محل زندگی خود باز دارد. به همین دلیل، پیمایش‌های کوتاه و چندساعته در اطراف شهر، هرچند از نظر لغوی نوعی «قطع مسافت» بودند، اما در عرف، مصداق «سفر» به شمار نمی‌روند. یکی از لغت‌شناسان پس از ذکر معنای سفر، به نقل از دیگران می‌گوید: «لَا يُسَمَّى سَفَراً مَا لَمْ يَقْصِدْ مَسِيرَةَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ» (مسیر کمتر از سه روز، سفر نامیده نمی‌شود). هرچند این قید «سه روز» مربوط به مذهب ابوحنیفه است، اما اصل نکته که «هر مسافتی سفر نیست»، یک واقعیت زبانی و عرفی است. سپس در جای دیگری تصریح می‌کند: «وَ أَدْنَاهُ لِلرَّجُلِ الْحُرِّ يَوْمٌ» (حداقلِ [مسافتی که] سفر [نامیده می‌شود] برای یک انسان آزاد، مسیر یک روز است) (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۴، ص ۳۷۱). در بستر این تحلیل لغوی می توان گفت، اگر در لسان روایات، معیارهای مکانی (مانند هشت فرسخ) در کنار معیار زمانی (مسیرة یوم) ذکر شده‌اند، این پیش‌زمینه لغوی به ما می‌گوید که معیار «مسیر یک روز» از اصالتی ذاتی و مفهومی برخوردار است و احتمالاً معیارهای مکانی، تنها بیانی از مصداق و معادل خارجیِ «مسیر یک روز» با ابزارهای حمل‌ونقل متعارف آن زمان (مانند شتر و قافله) بوده‌اند.

۲. دسته بندی و تحلیل اجمالی روایات ناظر به حدّ سفر

پس از آنکه در بخش پیشین، بنیان‌های لغوی و ارتکازات عرفی حاکم بر مفهوم «سفر» کاویده شد و پیوند ذاتی آن با عنصر «زمان» (بویژه «روز») آشکار گردید، اکنون نوبت آن است که به کانون اصلی بحث، یعنی روایات معصومین علیهم‌السلام، وارد شویم. روایات شریفه‌ای که به تبیین و تحدید «مسافت شرعی» پرداخته‌اند، از حیث ظاهر، متنوع و در نگاه نخست، شاید متعارض به‌نظر آیند. اما با دسته بندی دقیق و تحلیلی نظام‌مند، می‌توان به یک فهم منسجم و هماهنگ از آنها دست یافت. در این بخش، روایات به پنج دسته اصلی تقسیم شده و تحلیل اجمالی هر دسته ارائه می‌شود تا زمینه برای استدلال تفصیلی در بخش‌های بعدی فراهم آید.

۲-۱. دسته اول: روایات «هشت فرسخ» (ثمانیة فراسخ)

این دسته از روایات، پرتعدادترین و مشهورترین گروه در میان اخبار این باب هستند و ملاک قصر نماز را پیمودن «هشت فرسخ» تعیین می‌کنند. فرسخ، واحدی برای سنجش مسافت بوده و هر فرسخ معادل سه میل است؛ بنابراین، هشت فرسخ برابر با بیست و چهار میل می‌باشد. این معیار، مبنای فتوای مشهور فقهای امامیه در طول تاریخ بوده است.

یکی از صریح‌ترین روایات این دسته، صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است که در پاسخ به پرسش از حدّ تقصیر نماز، فرمودند: «فِی ثَمَانِیَةِ فَرَاسِخَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۱۳۱). در روایت معتبر دیگری از عبدالله بن سنان، امام صادق علیه السلام در پاسخ به همین پرسش می‌فرمایند: «حَدُّ ذَلِكَ ثَمَانِیَةُ فَرَاسِخَ وَ هُوَ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مِیلًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۲۲۰). در این روایت، امام علیه السلام خود تصریح می‌فرمایند که هشت فرسخ، معادل بیست و چهار میل است و این دو تعبیر، یک حقیقت را بیان می‌کنند. فراوانی این دسته از روایات و صحت سند بسیاری از آنها، موجب شده است که معیار مکانیِ «هشت فرسخ» به‌عنوان قدر متیقن و اصلی‌ترین ضابطه در فقه شیعه تثبیت شود.

۲-۲. دسته دوم: روایات «بَریدان»

«بَرید» نیز یکی دیگر از واحدهای سنجش مسافت در قدیم بوده است. در نظام ارتباطی و چاپاری آن دوران، «برید» به مسافت میان دو ایستگاه یا چاپارخانه اطلاق می‌شد. هر برید، معادل چهار فرسخ بود؛ بنابراین، «بریدان» (تثنیه برید) معادل «هشت فرسخ» است. روایات این دسته، هرچند از نظر تعداد کمتر از دسته اول هستند، اما از حیث محتوا و دلالت، کاملاً با آنها همسو می‌باشند و در واقع، بیانی دیگر از همان معیار مکانی هستند.

صحیحه زراره و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نمونه بارز این دسته است. آن دو از امام علیه السلام درباره حدّی که نماز در آن شکسته می‌شود سؤال کردند و ایشان فرمودند: «بُرْدَانِ، وَ الْبُرْدَانِ ثَمَانِیَةُ فَرَاسِخَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۱۳۱). نکته بسیار مهم در این روایت،

تفسیر خود امام علیه‌السلام است؛ ایشان پس از ذکر واژه «بریدان»، بلافاصله آن را به «هشت فرسخ» ترجمه و تفسیر می‌کنند. این تفسیر درون‌متنی نشان می‌دهد که «بریدان» و «هشت فرسخ»، دو لفظ برای یک معنا و یک مسافت مشخص هستند و تعارضی میان آنها وجود ندارد.

۲-۳. دسته سوم: روایات «بیست و چهار میل»

روایاتی که این تعبیر را به‌کار برده‌اند، در واقع سومین ضلع این مثلثِ معناییِ واحد را تشکیل می‌دهند و تأکیدی دیگر بر یک معیار مکانی مشخص هستند.

در صحیحه معاویة بن وهب آمده است که از امام صادق علیه‌السلام در مورد حدّ تقصیر سؤال کردم. ایشان فرمودند: «كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرٍ قَصَّرَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ... فَقُلْتُ لَهُ: فِي كَمْ يُقَصِّرُ الرَّجُلُ؟ قَالَ: فِي أَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِينَ مِيلًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۱۳۲). این سه دسته از روایات، با تعابیر مختلف (هشت فرسخ، بریدان، بیست و چهار میل)، همگی به یک «نتیجه مکانی واحد» اشاره دارند که تقریباً معادل ۴۰ تا ۴۵ کیلومتر امروزی است. ظاهر این روایات، بر «موضوعیت» و اصالت معیار مکانی دلالت دارد.

۲-۴. دسته چهارم: روایات «مسیر یک روز»

در مقابل سه دسته فوق که همگی بر «مکان» تمرکز داشتند، دسته چهارم، معیار را بر محور «زمان» تعریف می‌کند. این روایات، حدّ سفر شرعی را پیمودن مسافتی معادل «راهپیمایی یک روز کامل» دانسته‌اند.

مهمترین و صریح‌ترین روایت این باب، صحیحه فضل بن شاذان از امام رضا علیه‌السلام است که در ضمن بیان علل احکام (علل الشرائع) می‌فرمایند: «وَ إِنَّمَا وَجَبَ التَّقْصِيرُ فِي ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخَ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ لِأَنَّ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ مَسِيرَةُ يَوْمٍ لِلْعَامَّةِ وَ الْقَوَافِلِ وَ الْأَثْقَالِ، فَوَجَبَ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ۸، ص ۴۵۱). این روایت که به دلیل ساختار تعلیلی آن، نقشی کلیدی در بحث ایفا می‌کند، به‌صراحت «هشت فرسخ» را مساوی با «مسیر یک روز» برای عموم مردم و کاروان‌ها (با سیر متعارف آن زمان) قرار

داده و در انتها نتیجه‌گیری می‌کند که «پس تقصیر در مسیر یک روز واجب شد». در روایت معتبر دیگری، راوی از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: «فِی کَمْ یُقَصِّرُ الرَّجُلُ؟ قَالَ: فِی مَسِیرَةِ یَوْمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۱۳۲).

وجود این دسته از روایات، چالشی جدی در برابر «موضوعیت» صرفِ معیار مکانی ایجاد می‌کند و این پرسش بنیادین را مطرح می‌سازد: آیا معیار اصلی و علت حکم، «مسیر یک روز» است و «هشت فرسخ» صرفاً مصداق و تطبیق آن در عصر تشریع بوده است (اصالت زمان)، یا آنکه هر دو معیار، در عرض یکدیگر و به‌صورت مستقل، موضوع حکم هستند؟

۲-۵. دسته پنجم: روایات ترکیبی و تفسیری

دسته پنجم، شامل روایاتی است که به نوعی میان معیارهای زمانی و مکانی جمع کرده یا یکی را در پرتو دیگری تفسیر می‌کنند. این روایات، برای حل تعارض ظاهری میان دسته های پیشین، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. روایت فضل بن شاذان که در دسته چهارم ذکر شد، به دلیل ماهیت تعلیلی و تفسیری‌اش، برجسته‌ترین نمونه این دسته نیز به شمار می‌رود.

افزون بر آن، می‌توان به روایاتی اشاره کرد که دو معیار را با هم ذکر می‌کنند، مانند صحیحه علی بن یقطین از امام کاظم علیه‌السلام که در آن، حدّ تقصیر «مَسِیرَةُ یَوْمٍ وَ هُوَ بُرْدَانِ» (مسیر یک روز، و آن دو برید است) ذکر شده است (برقی، ۱۳۷۱، ج۲، ص ۲۸۸). در این روایت، حرف «واو» می‌تواند تفسیری باشد، یعنی «مسیر یک روز» را به «دو برید» (هشت فرسخ) تفسیر می‌کند. این روایات ترکیبی، نقطه عزیمت اصلی برای اثبات فرضیه «طریقیت معیار مکان» هستند، زیرا نشان می‌دهند که در ذهنیت معصوم علیه‌السلام، میان این دو معیار، رابطه «تطبیق» و «تفسیر» برقرار بوده، نه رابطه دو موضوع مستقل.

تحلیل اجمالی این پنج دسته نشان می‌دهد که مناقشه فقهی در باب مسافت شرعی، در واقع نزاع بر سر تعیین رابطه میان روایات دسته ۱ تا ۳ (مکان‌محور) با روایات دسته ۴ و ۵ (زمان‌محور و ترکیبی) است. در بخش بعدی، با استناد به شواهد درون‌متنی و اصول

استنباط، به تفصیل اثبات خواهیم کرد کـه روایـات زمـان‌محور (مسـیرة یـوم) از اصـالت برخوردار بوده و معیارهای مکانی، طریق و اماره‌ای برای تحقق آن بوده‌اند.

۳. اثبات فرضیه: اصالت معیار زمان و طریقیت معیار مکان

پس از آنکه در بخش‌های پیشین، بنیان‌های لغوی مفهـوم «سـفر» و دسـته بنـدی روایـات تحدید مسافت شرعی ارائه گردید، اکنـون بـه قلـب ایـن پـژوهش، یعنـی اثبـات فرضـیه اصلی، می‌رسیم. فرضیه این مقاله بر این استوار است که معیـار بنیـادین و «علـت» تشـریع حکم قصر و افطار، پیمودن مسافتی است که به‌لحاظ عرفی «یک روز کامل» را بـه خـود اختصاص دهد (مسیرة یوم)؛ و معیارهای مکانی مشهور، یعنی «هشت فرسخ»، «بریدان» و «بیست و چهار میل»، فقط «طریق»، «أماره» و «مصداق» متعارف این معیار زمانی در عصـر صدور روایات بوده‌اند، نه اینکه خودشان به‌صورت مسـتقل «موضـوعیت» داشـته باشـند. برای اثبات این مدعا، شش شاهد و قرینه قوی و هم‌افزا از متن خود روایـات اسـتخراج و تحلیل می‌گردد. این شواهد، همچون قطعات یک پازل، در کنار هم تصویری منسجم از حاکمیت معیار «زمان» را به نمایش می‌گذارند.

۳-۱. شاهد اول: قرینه تعلیل صریح در صحیحه فضل بن شاذان

قوی‌ترین و بی‌بدیل‌ترین شاهد بر درستی این فرضیه، صحیحه فضل بن شاذان از امام رضا علیه‌السلام است که در آن، فلسفه و علت احکام (علل الشرائع) تبیین شده است. در بخشـی از این روایت طولانی و بسیار مهم، امام علیه‌السلام پـس از بیـان حکـم تقصـیر، بـه سـراغ علـت تحدید آن در یک مسافت خاص می‌روند و می‌فرمایند:

«وَ إِنَّمَا وَجَبَ التَّقْصِيرُ فِي ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخَ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ، **لِأَنَّ** ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ مَسِيرَةُ يَوْمٍ لِلْعَامَّةِ وَ الْقَوَافِلِ وَ الْأَثْقَالِ، فَوَجَبَ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ...» (حر عـاملی، ۱۴۱۶ق، ج۸، ص ۴۵۱)؛ (و همانا تقصیر در هشت فرسخ واجب شد، نـه کمتـر و نـه بیشـتر، زیـرا کـه هشت فرسخ، مسیر یک روز برای عموم مردم و کاروان‌ها و بارهای سـنگین اسـت. پـس تقصیر در پیمودن مسیر یک روز واجب شد).

تحلیل دقیق این فراز، نکات استنباطی بسیار مهمی را آشکار می‌سازد:

۱. کاربرد حرف «لِأَنَّ»: این حرف از ادات صریح تعلیل در زبان عربی است و به‌روشنی رابطه «علت و معلول» را میان دو گزاره برقرار می‌کند. امام علیه‌السلام نمی‌فرمایند «هشت فرسخ همان مسیر یک روز است»، بلکه می‌فرمایند وجوب تقصیر در هشت فرسخ، «به این علت است که» این مسافت، معادل مسیر یک روز است. طبق قواعد اصول فقه، «العِلّة تُعَمِّم و تُخَصِّص» (علت، حکم را تعمیم و تخصیص می‌دهد). این بدان معناست که مدار حکم، وجود «علت» است. در اینجا، علت اصلی «مسیرة یوم» معرفی شده و «هشت فرسخ» معلول و مصداق آن است.

۲. جمله پایانی (فاء تفریع): امام علیه‌السلام در پایان این فراز با استفاده از «فاء نتیجه‌گیری» (فاء تفریع)، یک قاعده کلی را استنباط و بیان می‌کنند: «فَوَجَبَ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ». ایشان نمی‌فرمایند «پس تقصیر در هشت فرسخ واجب شد»، بلکه حکم را به علت اصلی آن یعنی «مسیر یک روز» پیوند می‌زنند و آن را به‌عنوان ضابطه نهایی اعلام می‌کنند. این ساختار بیانی، جایی برای تردید در اصالت «مسیرة یوم» و طریقیت «ثمانیة فراسخ» باقی نمی‌گذارد. این روایت، به‌تنهایی برای اثبات مدعا کفایت می‌کند، اما شواهد دیگر، این بنیان را مستحکم‌تر می‌سازند.

۳-۲. شاهد دوم: قرینه ارجاع به «سیر متعارف» (القوافل و الاثقال)

همین صحیحه فضل، شاهد مهم دیگری را در خود نهفته دارد. امام علیه‌السلام در مقام تطبیق «مسیر یک روز» بر «هشت فرسخ»، بلافاصله آن را مقید به یک قید مهم می‌کنند: «لِلْعَامَّةِ وَ الْقَوَافِلِ وَ الْأَثْقَالِ» (برای عموم مردم و کاروان‌ها و بارهای سنگین). این قید نشان می‌دهد که این معادله، یک معادله ریاضی ثابت و ازلی نیست، بلکه یک تطبیق عرفی مبتنی بر وسایل حمل‌ونقل متعارف و کندرو آن زمان بوده است.

چرا امام علیه‌السلام به سیر «قوافل» و «اثقال» (بارهای سنگین) ارجاع می‌دهند؟ زیرا این نوع حرکت، نماینده «سیر متوسط و نوعی» جامعه آن روز بود. ایشان می‌توانستند به سرعت

یک اسب‌سوار تیزرو (فارس نجیب) یا یک پیک سریع‌السیر اشاره کنند که قطعاً مسافتی بسیار بیشتر از هشت فرسخ را در یک روز طی می‌کرد. ارجاع به کندترین و متعارف‌ترین نوع سیر، به‌روشنی نشان می‌دهد که شارع مقدس در مقام بیان یک «مصداق عرفی» برای «مسیر یک روز» بوده است. مفهوم مخالف این قید آن است که اگر وسیله نقلیه تغییر کند و سرعت متعارف جامعه به‌کلی دگرگون شود، دیگر این تطبیق (هشت فرسخ = مسیر یک روز) موضوعیت خود را از دست می‌دهد. در این صورت، جمود بر «هشت فرسخ»، به معنای نادیده گرفتن قید «للقوافل و الاثقال» و غفلت از روح حاکم بر این تطبیق است.

۳-۳. شاهد سوم: قرینه «تفسیر» در روایات ترکیبی

دسته پنجم روایات که از آنها با عنوان «روایات ترکیبی» یاد شد، شاهد دیگری بر این مدعاست. در صحیحه علی بن یقطین از امام کاظم علیه‌السلام، حد تقصیر این‌گونه بیان شده است: «مَسِيرَةُ يَوْمٍ وَ هُوَ بُرْدَانِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۲۲۱). همچنین در موثقه سماعه، راوی می‌پرسد «مسیرة یوم» چقدر است؟ و امام علیه‌السلام پاسخ می‌دهند: «بُرْدَانِ، وَ هُمَا ثَمَانِيَةُ فَرَاسِخَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۱۳۲).

در این روایات، آشکارا یک معیار (زمان) در حال تفسیر شدن به معیار دیگر (مکان) است. ساختار جمله (استفاده از ضمیر «هو» یا پاسخ مستقیم به پرسش از چیستی «مسیرة یوم») نشان می‌دهد که «مسیرة یوم» اصل و مبنایی بوده که برای سائل یا مخاطب، نیاز به توضیح و تطبیق عینی داشته است. امام علیه‌السلام در مقام پاسخ، این مفهوم کلی و زمانی را به یک واحد ملموس و مکانی (بریدان/هشت فرسخ) ترجمه می‌کنند. این رابطه، رابطه «مفسَّر» و «مفسِّر» است، نه رابطه دو موضوع مستقل. وقتی مفهومی نیاز به تفسیر دارد، یعنی آن مفهوم، اصل و اساس است و تفسیر آن، فقط برای روشن شدن مصداق آن در شرایط زمانی و مکانی خاص صورت می‌گیرد. این روایات به‌خوبی نشان می‌دهند که در ذهنیت امام علیه‌السلام و اصحاب، «مسیر یک روز» یک ضابطه کلی و «هشت فرسخ» تطبیق و تفسیر آن بوده است.

ادامه شواهد در بخش‌های آتی ارائه خواهد شد تا تصویر نهایی از این استدلال تکمیل گردد.

۳-۴. شاهد چهارم: قرینه ارجاع اختلاف سرعت‌ها به معیار متوسط (هشت فرسخ)

یکی از چالش‌های عملی در تعیین مسافت شرعی، تفاوت سرعت وسایل نقلیه و افراد مختلف بوده است. این اختلاف در عصر صدور روایات نیز وجود داشته است؛ سرعت یک کاروان تجاری با بارهای سنگین، با سرعت یک مسافر پیاده، و سرعت هر دو با یک سوارکار تیزرو، تفاوت فاحشی داشته است. موثقه اسحاق بن عمار، به زیبایی این چالش را به تصویر کشیده و راه حل امام علیه‌السلام در رویارویی با آن، شاهد مهمی بر مدعای ماست.

اسحاق بن عمار از امام کاظم علیه‌السلام درباره تقصیر نماز می‌پرسد: «إِنِّی أَسِیرُ خَمْسَةَ فَرَاسِخَ أَوْ سِتَّةً فَأَرْجِعُ مِنْ یَوْمِی فَأُصَلِّی الرَّکْعَتَیْنِ [یعنی نماز قصر]، وَ رُبَّمَا خَرَجْتُ إِلَی الضَّیْعَةِ مَسِیرَةَ ثَلَاثِ فَرَاسِخَ وَ أَرْبَعِ فَرَاسِخَ فَأُقِیمُ فِیها الْأَیَّامَ فَأُتِمُّ الصَّلَاةَ [یعنی نماز تمام]، وَ رُبَّمَا خَرَجَ الْجَمَّالُ مِنَّا فِی ثَمَانِیَةِ فَرَاسِخَ فَیُقَصِّرُ؟». راوی سه حالت مختلف را مطرح می‌کند: ۱) رفت و برگشت سریع در یک روز (مجموعاً ۱۰-۱۲ فرسخ)، ۲) رفتن به مسافت کوتاه (۳-۴ فرسخ) و ماندن چند روزه، ۳) رفتن شتربان به مسافت ۸ فرسخ. او از تفاوت احکام در این شرایط متعجب است.

امام علیه‌السلام در پاسخ به این آشفتگی ذهنی راوی، یک معیار واحد و فصل‌الخطاب را ارائه می‌دهند: «أَمَّا مَا تَصْنَعُ أَنْتَ فَهُوَ الْحَقُّ [یعنی کار تو در هر سه مورد درست است]، وَ أَمَّا الْجَمَّالُ فَلَا یُقَصِّرُ حَتَّی یَخْرُجَ مِنْ رُسْتَاقِهِ الَّذِی هُوَ فِیهِ، فَإِذَا جَاوَزَ الرُّسْتَاقَ فَعَلَیْهِ التَّقْصِیرُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۲۲۳).

نکته کلیدی در این روایت آن است که در عصر صدور، اختلاف سرعت‌ها وجود داشته و این امر موجب سردرگمی اصحاب می‌شده است. امام علیه‌السلام در مقام رفع این اختلاف و ارائه یک ضابطه نوعی، به معیار «هشت فرسخ» (که در پرسش راوی و ذهنیت او حاضر است) به‌عنوان قدر متیقن و متوسط ارجاع می‌دهند. این ارجاع،

کارکردی مشابه تعیین «کر» برای آب قلیل و کثیر دارد. شارع برای رفع عسر و حرج ناشی از تشخیص دائمی «ملاقات با نجاست»، یک معیار کمی (حجم کر) را به‌عنوان أماره و ضابطه تعیین کرده است. در اینجا نیز، بجای آنکه هر فردی بخواهد سرعت خود را با سرعت متعارف «مسیر یک روز» بسنجد که امری دشوار و اختلافی است، شارع یک ضابطه مکانی متوسط (هشت فرسخ) را که نماینده سیر متعارف «قوافل و اثقال» در یک روز بوده، به‌عنوان «أماره» و «حد نوعی» معرفی کرده است.

بنابراین، «هشت فرسخ» نقش یک شاخص عینی و سهل‌الوصول را برای تحقق آن مفهوم کلی (مسیرة یوم) ایفا می‌کند. این شاهد نشان می‌دهد که موضوعیت دادن به هشت فرسخ در زمانه‌ای که سرعت‌ها صدها برابر شده، تمسک به «أماره» و غفلت از «ذی‌الأماره» (اصل) است.

۳-۵. شاهد پنجم: قرینه تأثیر عنصر «زمان» در تغییر حکم در مسافت ثابت

اگر معیار مکانی (هشت فرسخ) تمام الموضوع برای حکم قصر باشد، در این صورت عنصر «زمان» نباید هیچ‌گونه تأثیری در تغییر حکم داشته باشد. یعنی اگر کسی مسافت کمتر از هشت فرسخ را طی کند، باید همیشه نمازش تمام باشد، فارغ از اینکه چقدر زمان صرف کرده است. حال آنکه روایتی وجود دارد که این قاعده را نقض کرده و نشان می‌دهد «زمان» می‌تواند در مسافت ثابت، موجب تغییر حکم شود.

در صحیحه عبدالله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «سَأَلَهُ أَبِی وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنِ الرَّجُلِ یَخْرُجُ فِی حَاجَةٍ لَهُ مَسِیرَةَ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ ثُمَّ یَرْجِعُ مِنْ یَوْمِهِ، أَ یُقَصِّرُ أَمْ یُتِمُّ؟ فَقَالَ: یُقَصِّرُ، لِأَنَّ ذَهَابَهُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخَ وَ جِیئَتَهُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخَ، فَذَلِکَ ثَمَانِیَةُ فَرَاسِخَ مَسِیرَةُ یَوْمٍ. قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ خَرَجَ فِی حَاجَةٍ لَهُ مَسِیرَةَ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ فَقَضَاهَا ثُمَّ لَمْ یَرْجِعْ فِی یَوْمِهِ، أَ یُقَصِّرُ؟ فَقَالَ: لَا، حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی مَنْزِلِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، صص ۱۳۳-۱۳۴).

تحلیل روایت:

۱. حالت اول (رفت و برگشت در یک روز): کسی که چهار فرسخ می‌رود و در همان روز برمی‌گردد، نمازش قصر است. امام علیه‌السلام علت را این‌گونه بیان

می‌فرمایند: «لِأَنَّ... فَذَلِکَ ثَمَانِیَةُ فَرَاسِخَ مَسِیرَةُ یَوْمٍ». مجدداً مشاهده می‌کنیم که امام علیه‌السلام هشت فرسخ را به «مسیر یک روز» گره می‌زنند و این نشان می‌دهد که صرف کردن «یک روز» در مسیر (رفت و برگشت)، ملاک تحقق سفر است.

۲. حالت دوم (رفتن و عدم بازگشت در همان روز): اما اگر همان شخص، همان چهار فرسخ را برود ولی در آن روز برنگردد (مثلاً شب بماند و فردا برگردد)، نمازش تمام است.

در هر دو حالت، مسافت پیموده شده در یک جهت، «چهار فرسخ» و ثابت است. آنچه حکم را از قصر به اتمام تغییر می‌دهد، عنصر «زمان» و نحوه توزیع سفر در طول روز است. در حالت اول، کل روزِ فرد به این سفر چهار فرسخی (رفت و برگشت) اختصاص یافته و مصداق «مسیرة یوم» شده است. اما در حالت دوم، تنها بخشی از روز او صرف سفر شده و لذا عرفاً عنوان «مسافر» (به معنای کسی که یک روز کامل در راه بوده) بر او صدق نمی‌کند. این روایت به‌وضوح نشان می‌دهد که «زمان» و «روز» در تحقق عنوان سفر، نقشی محوری و تعیین‌کننده دارند و معیار صرفاً یک عدد ثابت مکانی نیست.

۳-۶. شاهد ششم: قرینه ارتکاز سائلین و محوریت «مسیرة یوم» در پرسش‌ها

نحوه سؤال پرسشگران (اصحاب ائمه) آینه‌ای از فهم عرفی و ارتکازات ذهنی حاکم بر آن دوران است. در تعدادی از روایات مهم این باب، مشاهده می‌کنیم که سؤال راوی، به‌طور مستقیم حول محور «مسیر یک روز» شکل گرفته است، نه هشت فرسخ. برای مثال، در موثقه سماعه، راوی مستقیماً می‌پرسد: «مَسِیرَةُ کَمْ یُقَصَّرُ فِی‌هَا الصَّلَاةُ؟» (پیمودن مسیر چقدر موجب قصر نماز می‌شود؟) و امام علیه‌السلام پاسخ می‌دهند: «مَسِیرَةُ یَوْمٍ» (پیمودن مسیر یک روز). سپس راوی می‌پرسد: «فَمَا مَسِیرَةُ یَوْمٍ؟» (مسیر یک روز چقدر است؟) و امام پاسخ می‌دهند: «بُرْدَانِ وَ هُمَا ثَمَانِیَةُ فَرَاسِخَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص ۱۳۲).

این ساختار پرسش و پاسخ نشان می‌دهد که در ارتکاز ذهنی سائل، ضابطه اصلی و قابل فهم، «مسیر یک روز» بوده و او تنها در پی تعیین مصداق عینی و کمی آن بوده است. او نمی‌پرسد «چند فرسخ؟» بلکه از «مسیر چقدر؟» سؤال می‌کند و پاسخ اولیه امام

نیز یک معیار زمانی است. این امر، حاکمیت و اصالت مفهوم «مسیر یک روز» را در فرهنگ فقهی و عرفی آن زمان تأیید می‌کند.

مجموع این شش شاهد، که همگی از متن روایات و با تحلیل ساختار، قیود، تعابیر و قرائن داخلی استخراج شده‌اند، یکدیگر را تأیید و تقویت کرده و به نتیجه‌ای واحد و منسجم منتهی می‌شوند: «مسیرة یوم» علت و اصل، و «ثمانیة فراسخ» مصداق و طریق بوده است.

۴. پیامدها و لوازم فقهی پذیرش فرضیه

اثبات فرضیه مبنی بر اصالت معیار «زمان» (مسیرة یوم) و طریقیت معیار «مکان» (ثمانیة فراسخ)، فقط یک بحث نظری و انتزاعی در حوزه مطالعات روایی باقی نمی‌ماند، بلکه به‌طور مستقیم به نتایج و لوازم عملی مهمی در استنباط فقهی معاصر منجر می‌شود. پذیرش این مبنا، باب بازنگری در یکی از پرکاربردترین احکام فقهی را می‌گشاید و فقیه را ملزم به عبور از مصداق تاریخی و تطبیق روح حکم بر شرایط نوین می‌کند. در این بخش، مهمترین پیامدهای این تغییر نگرش در سه حوزه کلیدی تحلیل و بررسی می‌شود: تغییرپذیری حکم، لزوم بازتعریف مصداق عرفی، و چالش‌های اجرایی فتوای جدید.

۴-۱. تثبیت ماهیت پویا و تغییرپذیر حکم مسافت شرعی

نخستین و بنیادین‌ترین پیامد پذیرش این فرضیه، خروج حکم مسافت شرعی از دایره «احکام ثابت با موضوع معین» و ورود آن به حوزه «احکام متغیر با موضوع پویا» است. توضیح آنکه، در نگاه سنتی که «هشت فرسخ» (حدود ۴۰ تا ۴۵ کیلومتر) را تمام الموضوع برای حکم قصر می‌داند، موضوع حکم، یک مسافت کمّی، ثابت و غیرقابل تغییر است. این مسافت در قرن اول هجری همان‌قدر بوده که در قرن پانزدهم هجری است و با پیشرفت تکنولوژی و تغییر سرعت وسایل نقلیه، هیچ تغییری در آن راه نمی‌یابد. حکم (وجوب قصر) نیز به تبع ثبات موضوعش، ثابت باقی می‌ماند.

اما براساس مبنای مختار در این پژوهش، موضوع اصلی حکم، نه یک کمیت مکانی

ثابت، بلکه یک مفهوم عرفی-زمانیِ پویا است: «پیمودن مسیری که عرفاً یک روز کامل را به خود اختصاص دهد». این مفهوم ذاتاً به شرایط زمانی و مکانی وابسته است. «مسیر یک روز» در عصر شتر و کاروان، مصداقی متفاوت از «مسیر یک روز» در عصر خودروهای پرسرعت و هواپیما دارد؛ بنابراین، با تغییر مصداقِ موضوع در هر عصر، حکم نیز به تبع آن تغییر می‌کند.

این تغییرپذیری، نه به معنای نسخ حکم یا تغییر در اصل تشریع، بلکه به معنای «تغییر در تطبیق» و «کشف مصداق جدید» برای یک مفهوم کلی و ثابت است. شارع مقدس با تعلیل حکم به «مسیرة یوم للقوافل و الاثقال»، عملاً روح و حکمت تشریع را که همان «مشقت نوعی سفر» است، به یک ضابطه عرفی و قابل درک گره زده است. این ضابطه، انعطاف‌پذیری لازم را برای انطباق با تمام اعصار داراست. درنتیجه، فتوای فقهی مبتنی بر این نگرش، ماهیتی پویا خواهد داشت و وظیفه فقیه در هر دوره، شناسایی و اعلام مصداق عرفی جدید «مسیر یک روز» خواهد بود، نه تکرار مصداق تاریخی آن. این امر، نشان از ظرفیت عظیم فقه شیعه در پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر زمانه دارد.

۴-۲. ضرورت بازتعریف مصداق عرفی «مسیر یک روز»

پیامد عملیاتی پذیرش این فرضیه، الزام به بازنگری جدی در مصداق کنونی مسافت شرعی است. اگر هشت فرسخ فقط مصداق و طریق بوده، تمسک به آن در روزگار ما، تمسک به طریق و غفلت از ذی‌الطریق (اصل) است. حال سؤال اساسی این است: مصداق عرفی «مسیر یک روز» در عصر حاضر چیست؟

پاسخ به این پرسش نیازمند یک پژوهش میدانی و جامعه‌شناختی دقیق است، اما می‌توان خطوط کلی آن را براساس مبانی روایی ترسیم کرد. روایات با قید «للقوافل و الاثقال» (برای کاروان‌ها و بارهای سنگین)، سرعت سیر را بر «سیر متعارف و عمومی» حمل کرده‌اند، نه سیر افراد خاص یا وسایل تیزرو. این قید، دو نکته را روشن می‌سازد:

۱. نوعی بودن معیار: ملاک، سرعت شخصِ مکلف نیست، بلکه سرعت «نوعی» و «متعارف» جامعه است.

۲. عمومی بودن وسیله: ملاک، سریع‌ترین یا کندترین وسیله نقلیه نیست، بلکه وسیله‌ای است که عموم مردم برای سفرهای بین‌شهری از آن استفاده می‌کنند.

با این مقدمات، می‌توان برای تعیین مصداق جدید، صورت‌های مختلفی را در نظر گرفت. یکی از پژوهشگران معاصر (مهدوی امین، ۱۳۹۶)، با محاسبه متوسط سرعت خودروهای امروزی در جاده‌های بین‌شهری و در نظر گرفتن یک روز کاری (حدود ۸ تا ۱۰ ساعت)، مسافت شرعی جدید را حدود ۸۵۰ کیلومتر برآورد کرده است. این محاسبه، گرچه یک تلاش قابل تقدیر است، اما می‌تواند محل بحث و بررسی‌های دقیق‌تر باشد. برای مثال، آیا «مسیر یک روز» به معنای ۸ ساعت رانندگی بی‌وقفه است یا شامل توقف‌های متعارف برای استراحت، نماز و صرف غذا نیز می‌شود؟ آیا ملاک، سرعت در اتوبان‌های هموار است یا جاده‌های معمولی و کوهستانی را نیز باید در میانگین لحاظ کرد؟ آیا «سیر متعارف» باید براساس خودروی شخصی تعریف شود یا وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس و قطار که بخش بزرگی از سفرهای بین‌شهری را پوشش می‌دهند؟

پاسخ دقیق به این پرسش‌ها از حوصله این مقاله خارج است، اما آنچه مسلم است، لزوم عبور از عدد ۴۰-۴۵ کیلومتر و حرکت به سمت یک مسافت به مراتب طولانی‌تر است. این پیامد، مستقیماً بر زندگی روزمره میلیون‌ها نفر که در حاشیه کلان‌شهرها زندگی می‌کنند یا به شهرهای مجاور برای کار و تحصیل تردد دارند، تأثیرگذار خواهد بود و بسیاری از نمازها و روزه‌هایی که اکنون به حکم قصر و افطار انجام می‌شود، به حکم اتمام و وجوب صوم تغییر خواهد یافت.

۴-۳. چالش‌های عملیاتی و اجرایی فتوای جدید

هرچند مبنای نظری فرضیه، مستحکم و مبتنی بر شواهد متقن روایی است، اما اجرای عملی آن در سطح جامعه و صدور فتوا براساس آن، با چالش‌هایی روبرو است که باید به آنها توجه کرد:

۱. اختلاف در تعیین مصداق: همان‌طور که اشاره شد، تعیین دقیق «مسیر متعارف

یک روز» در عصر حاضر، خود محل اختلاف نظر کارشناسان خواهد بود. آیا ملاک، ۸۰۰ کیلومتر است یا ۹۰۰ یا ۷۵۰؟ این عدم قطعیت می‌تواند موجب سردرگمی مقلدین شود. فقها ممکن است در این زمینه به «احتیاط» حکم کنند یا تعیین مصداق را به خود «عرف مکلف» واگذار نمایند که هر دو راهکار، چالش‌های خاص خود را دارد.

۲. مقاومت در برابر تغییر: حکم مسافت شرعی بر مبنای هشت فرسخ، قرن‌هاست که در اذهان متشرعین تثبیت شده و به یک امر مسلم فقهی تبدیل گشته است. تغییر ناگهانی این فتوا و افزایش چشمگیر مسافت، ممکن است با مقاومت ذهنی بخشی از جامعه روبرو شود و پذیرش آن نیازمند فرهنگ‌سازی و تبیین دقیق مبانی استدلالی آن برای عموم مردم است.

۳. ایجاد عسر و حرج جدید: هدف از تشریع حکم قصر، رفع مشقت و حرج از مسافر بوده است. ممکن است این شبهه مطرح شود که افزایش مسافت به حدود ۸۰۰ کیلومتر، خود موجب عسر و حرج برای افرادی شود که مسافت‌های ۲۰۰ یا ۳۰۰ کیلومتری را طی می‌کنند؛ سفری که عرفاً مشقت‌آور تلقی می‌شود اما طبق مبنای جدید، موجب قصر نمی‌گردد. در پاسخ باید گفت که ملاک در تشریع، «مشقت نوعی» سفر بوده است، نه مشقت شخصی. شارع با تعیین ضابطه «مسیرة یوم»، سطح نوعی این مشقت را تعریف کرده است. در گذشته نیز کسی که هفت فرسخ را با پای پیاده و با مشقت فراوان طی می‌کرد، نمازش تمام بود، زیرا به حد نوعی نرسیده بود؛ بنابراین، پایبندی به ضابطه نوعی، لازمه نظم‌بخشی به احکام است و موارد حرج شخصی باید از طریق قاعده «لا حرج» به‌صورت موردی بررسی شوند، نه با تغییر در اصل ضابطه.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت پذیرش اصالت معیار زمان، فقه را از ایستایی در مصداق تاریخی رهانیده و پویایی آن را در تطبیق با مقتضیات زمان به نمایش می‌گذارد، اما این گذار، نیازمند پژوهش‌های تکمیلی برای تعیین دقیق مصداق جدید و تمهیدات فرهنگی برای اجرای صحیح آن در جامعه است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی فقهی «تغییرپذیری حکم مسافت شرعی» پرداخته و با استناد به روایات، فرضیه اصالت معیار «مسیر یک روز» و طریقیت «هشت فرسخ» را تأیید می‌کند. تحلیل روایات نشان می‌دهد که محور اصلی حکم، پیمودن مسافتی است که عرفاً یک روز کامل را به خود اختصاص دهد (مشقت نوعی سفر). صحیحه فضل بن شاذان و موثقه سماعه، هشت فرسخ را مصداق تاریخی این مفهوم زمانی دانسته‌اند، نه مفهومی مستقل و ثابت. پذیرش این مبنا، حکم مسافت شرعی را از ثبات تاریخی خارج کرده و به آن ماهیتی پویا می‌بخشد. بر این اساس، وظیفه مجتهدین در هر عصر، شناسایی مصداق عرفی جدید «مسیر یک روز» با توجه به وسایل نقلیه متعارف آن زمان است. برآوردهای اولیه حاکی از آن است که این مسافت در عصر حاضر، بسیار بیشتر از ۴۵ کیلومتر و شاید نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر یا بیشتر باشد.

در نهایت، تمسک به هشت فرسخ در دوران معاصر، غفلت از روح حکم و پایبندی صرف به مصداق تاریخی آن است. بر مجتهدین لازم است با پژوهش‌های کارشناسی، مصداق واقعی و امروزی «مسیر یک روز» را برای مکلفین تبیین نمایند تا حکم الهی بر موضوع واقعی خود منطبق گردد. این رویکرد، ظرفیت فقه امامیه را در پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر زمان نشان می‌دهد.

منابع

* قرآن کریم

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (ج۳، محقق: عبدالسلام محمد هارون). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج۴). بیروت: دار صادر.

برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (ج۲، مصحح: جلال‌الدین محدث ارموی). قم: دار الکتب الإسلامیة.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴۶ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه (ج۸). قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار العلم - الدار الشامیة.

رهبر، مهدی. (۱۳۸۴). بررسی معیار مسافت شرعی. فقه اهل بیت^، ۱۱(۴۲)، صص ۱۶۵-۱۹۶.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی (ج۴). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (ج۴). تهران: دار الکتب الإسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی (ج۷). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج۴). تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مهدوی امین، مهدی. (۱۳۹۶). بازپژوهی ادله فقهی مسافت شرعی با رویکردی بر تأثیر سرعت در وسایل نقلیه امروزی. پژوهش‌های اسلامی. ۱۰(۲۰)، صص ۱۳۷-۱۶۰.